



و آغاز پروسه صلح و همگرایی در خاورمیانه، زمزمه‌هایی مبنی بر شکست طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ به گوش می‌رسد؛ رخدادی که پیش‌تر از سوی شماری از ناظران منطقه‌ای با استناد به رویه تاریخی صهیونیست‌ها گوشزد شده بود.

رژیم صهیونیستی در خلال دهه‌های اخیر و از زمان انعقاد نخستین قطعنامه شورای امنیت در مارس ۱۹۴۸ (قطعنامه ۴۲) درباره تفکیک سرزمین‌های فلسطینی تا امروز، تاریخچه‌ای وسیع از بی‌تعمدی و استنکاف از قوانین، معاهدات بین‌المللی و توافق‌های ۲ یا چندجانبه را در کارنامه دارد. از زمان پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ تاکنون، توافق‌های متعددی نظیر وادی عرب، غزه-اریحا، آنابولیس، نقشه راه، طرح صلح ملک عبدالله و قطعنامه‌های وسیعی پیرامون شهرک‌سازی‌ها، بازگشت آوارگان، وضعیت بیت‌المقدس و.. با موضوع رفع خصومت‌ها در منطقه مطرح شده؛ طرح‌هایی که یا از سوی صهیونیست‌ها نادیده انگاشته شده یا مقامات اسرائیلی اقدام به اخذ امتیازهای نقد کرده و از تحقق و اجرای وعده‌های نسبه سر باز زده‌اند. انعقاد توافق آتش‌بس با حزب‌الله در نوامبر ۲۰۲۴ تا آخرین نمونه‌های خلف وعده صهیونیست‌ها به حساب می‌آید که در آن ارتش اشغالگر ضمن تداوم اشغال ۵ نقطه کانونی در جنوب به شکل روزانه و نقض مفاد آتش‌بس اقدام به حملات پهنادی و راکتی به مواضع مقاومت در جنوب لبنان کرده است.

دکترین نظامی رژیم صهیونیستی در پساہفتم اکتبر دچار تحولی بنیادین شده و بر خلاف سنوات گذشته که در پی به حاشیه راندن مساله دولت مستقل فلسطینی از طریق واداشتن اعراب به الحاق به پروسه سازش بود، در مقطع کنونی با اتکا به سیاست تحمیل صلح از مسیر قدرت بر آن است ایده‌آل خود را به کشورهای همسایه و پیرامون تحمیل کند. بر مبنای دکترین یادشده، تسلط بر تمام سرزمین‌های فلسطینی (از بحر تا نهر) و ایجاد مناطقی حائل جهت تامین عمق استراتژیک این رژیم در دستور کار قرار گرفته‌است. سیاست غایی صهیونیست‌ها-آنچنان که نتایج‌آور در یکی از موضع‌گیری‌های اخیرش بدان ادعان کرده - بر مبنای شکل‌گیری «اسرائیل بزرگ» استوار شده است، لذا تصور تداوم آتش‌بس در باریکه غزه اندکی خام به نظر می‌رسد. پذیرش طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ از همان ابتدا با ناخرسندی طیف‌هایی در سرزمین اشغالی همراه شد، با این حال، پذیرش طرح مذکور در چارچوب منظمه رفع حوائج اولیه تل‌آویو قابل ارزیابی است؛ دیدگاهی که در آن، پس از حصول توافق‌های اولیه و کلیدی صهیونیست‌ها (به‌رغم انعطاف‌های ناگزیر) راه برای مسیر نهایی هموار خواهد شد؛ روندی که پیش‌تر در لبنان، یمن و ایران طی شده و با وجود خاتمه مرحله اول نزاع، مقامات سیاسی - نظامی رژیم صهیونیستی از در پیش بودن حملات ثانویه به اضلاع محور مقاومت سخن به میان آورده‌اند. به طور نمونه در لبنان پس از عقب‌نشینی از رودلیتلی و پذیرش آتش‌بس و توقف حملات موشکی حزب‌الله، ارتش صهیونیستی در لوی آتش‌بس به حملات بازگشاده با جنوب ادامه داده و در مسیر بهانه‌جویی برای حمله مجدد به این منطقه گام برداشته است. در رابطه با تحولات حاکم بر غزه اما موضوع از حساسیت دوجندان بر‌خودار است. همسایگی این باریکه با سرزمین اشغالی و منائر شدن این تشکیل دولت مستقل فلسطینی از تحولات این منطقه، رهبران افراطی تل‌آویو را مجاب کرده‌بی‌اعتنا به مفاد طرح پیشنهادی ترامپ و با توسل به بهانه‌هایی واهی در مسیر آغاز مجدد حملات به این باریکه گام بردارند.

در این نوشتار بر آنیم به سلسله عوامل و متغیرهای موثر و مشوق پیشبرد طرح یادشده بپردازیم.

۱- **معضلی به نام تحویل اجساد اسرای صهیونیست**

جنبش حماس اگرچه با دیدبه تردید به طرح پیشنهادی ترامپ می‌نگرید؛ و اگر نمی‌بود فشارهای همه‌جانبه تر، تکیه، قفل و مصر، بدون تردید با برخی بندهای طرح پیشنهادی ترامپ به مخالفت برمی‌خاست، لیکن از همان ابتدا اظهار کرد گره ردن مرحله اول برقراری آتش‌بس به تحویل کامل اجساد اسرای صهیونیست در

«وطن امروز» گزارش می‌دهد افزایش ترديد‌ها درباره پايبندی رژیم صهیونیستی به طرح ۲۰ ماده‌ای توقف جنگ در غزه

شکندرها!



بازهای کوتاه‌ام دوری از دسترس به نظر می‌آید، چرا که اسرای کشته شده در محل‌هایی متفاوت دفن شده‌اند و جدا از امکانات محدود حماس جهت یافتن آنان، بخشی از مناطق مذکور تحت اشغال دشمن صهیونیست است.

اکنون با وجود آزادی تمام اسرای زنده و بخش اعظم اجساد کشته‌شدگان، محافل صهیونیستی با تمسک به عدم پایبندی کامل حماس به مفاد توافق و عدم تحویل کامل اجساد در پی بر هم زدن توافق گام برداشته‌اند. سنگ‌اندازی در مسیر ورود کالاها و کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه و معامعت‌از بازگشایی کامل گذرگاه رفح در کنار عدم آزادی بخشی از اسرای فلسطینی از جمله اقدامات کارشکنانه صهیونیست‌ها به حساب می‌آید.

به زعم شماری از ناظران منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی بر آن است به بهانه فوق‌الذکر، مسیر عملیاتی شدن بندهای توافق را به حاشیه رانده و مجدداً به این باریکه حمله کند. برآل اسموتریتج، وزیر دارایی رژیم در توتیتی به ناکامی حماس در انجام تعهدات خود برای بازگرداندن اجساد اشاره کرده و نوشته است: «تنها فشار نظامی جسد اسرا را بازمی‌گرداند».

۲- **موضوع مبهم سلاح حماس**

در متن طرح پیشنهادی ترامپ آمده‌است حماس باید به طور کامل خلع‌سلاح شود. با این حال بر مبنای گزارش‌های منتشره، حماس اعلان کرده از تحویل سلاح‌های سبک خود خودداری کرده و سلاح‌های نیمه‌سنگین را نیز مشترک‌ا در اختیار تشکیلات خودگردان فلسطینی، دیگر گروه‌های فلسطینی و طرف مصری قرار خواهد داد؛ امری که می‌تواند دست‌انوازی برای بر هم زدن توافق از سوی طرف‌های صهیونیست و آمریکایی ارزیابی شود. مقامات صهیونیست و شخص ترامپ بر ضرورت خلع‌سلاح حماس پای فشرده و تهدید کرده‌اند در صورت عدم موافقت حماس، با توسل به حربه نظامی به این مقصود دست خواهند یافت. نخست‌وزیر رژیم با اشاره به اظهارات اخیر ترامپ صراحتاً اعلام کرده: «همان‌طور که رئیس‌جمهور ترامپ گفت، اگر حماس

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

افزایش ترديد‌ها درباره پايبندی رژیم صهیونیستی

به طرح ۲۰ ماده‌ای توقف جنگ در غزه

شکندرها!

صهیونیستی و صحرای سینا موجب شده تحقق آرزوی اسرائیل بزرگ و گام نهان‌د در این مسیر در جبهه غربی، مستلزم اخراج فلسطینیان و استیلای صهیونیست‌ها بر این منطقه راهبردی شود. شایان ذکر است گام بنیادین در مسیر اسرائیل بزرگ، ابتدا با تثبیت گزاره تسلط بر تمام سرزمین‌های فلسطینی از بحر تا نهر است.

۵- **افای نقش تشکیلات خودگردان در آینده غزه**

در متن طرح پیشنهادی ترامپ صراحتاً از نقش تشکیلات خودگردان فلسطین در آینده سیاسی نوار غزه به عنوان نماینده مشروع فلسطینی‌ها سخن به میان آمده، با این حال شماری از مقامات ارشد اسرائیل قویابه مخالفت با آن پرداخته‌اند. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در اظهارنظری صریح در این خصوص اعلام کرد: «هیچ‌یک از مقامات حماس یا تشکیلات خودگردان فلسطین بر غرّه حکومت نخواهند کرد».

به زعم رهبران حاکم بر تل‌آویو، عهده‌داری زمام امور توسط فلسطینی‌ها در نوار غزه، همچون استخوان لای زخم، ایده کشور مستقل فلسطین را در اندان حفظ خواهد کرد. لذا جهت عملیاتی نشدن طرح مذکور ضرورت دارد یا این باریکه به اشغال کامل اسرائیل درآید یا تحت مدیریت بین‌المللی قرار گیرد که تحقق هر یک از ۲ هدف مستلزم جنگی جدید در این باریکه است.

۶- **ابهام درباره عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از نوار غزه**

طرح پیشنهادی ترامپ صراحتاً بر عقب‌نشینی تدریجی و چندمرحله‌ای ارتش صهیونیستی از نوار غزه (به استثنای برخی مناطق تعیین‌شده) حکایت دارد. با این حال پیچیدگی طرح مذکور، چندمرحله‌ای بودن آن و نکات مبهم موجود در طرح، بستر مناسبی را برای عدم پایبندی به مفاد توافق فراهم کرده است. منابع عبری اخیراً مدعی شدند تل‌آویو به واشگنگتن اطلاع داده قصد دارد نیروهای ارتش صهیونیستی را برای چند سال در ۳ نقطه در نوار غزه، از جمله گذرگاه صلاح‌الدین و منطقه بافر نگه دارد. از محور باهمیت فیلادلفی (سرز میان نوار غزه و مصر) به عنوان یکی دیگر از مناطقی یاد شده که طرف صهیونیست اعلام کرده از عقب‌نشینی از آن امتناع خواهد ورزید.

دیگر عقب‌نشینی‌های ارتش صهیونیستی در مسیر تحقق بخش دوم توافق نیز علامده و به بهانه عدم تحویل چند جسد مسکوت مانده و نظامیان صهیونیست در چندین مرحله با حمله به مواضع نیروهای حماس در مسیر نقض تعمدی توافق جهت برگشتن نیز حماس گام نهاده‌اند.

۷- **تضمین بقای نتانیاهو بر سربر قدرت**

حیات سیاسی نتانیاهو در خلال ۲ دهه اخیر با خلق بحران‌های وسیع - امنیتی- گره خورده. چالش‌های قضایی و انتقادات سیاسی، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسانده است. اهمیت مساله مذکور به آن میزان است که ترامپ در خلال سخنرانی‌اش در کنست، از اسحاق هرتزوک، رئیس رژیم صهیونیستی خواست جهت رهایی وی، از کارت عفو ریاست‌جمهوری بهره گیرد.

کارنامه نتانیاهو نشان می‌دهد نخست‌وزیر اسرائیل جهت رهایی از فشارهای همه‌جانبه و به تعویق انداختن پروسه قضایی در کنار تلاش برای جلب دستاوردهای مضاعف، در مسیر ایجاد بحران در منطقه گام برداشته است. حمله مجدد به نوار غزه و تحرش برای انضمام این باریکه به زعم وی فرصت مناسبی را فراهم خواهد کرد تا ضمن تحریک محکمه قضایی، افکار عمومی سرزمین اشغالی را به سمت خود و حزیش در انتخابات پیش روی ۲۰۲۶ متمایل کند.

■ **نتیجه‌گیری**

با وجود میل رهبران صهیونیست برای تکمیل پروژه غایی خویش، حمله به نوار غزه بپوشه پس از آزادی اسرای صهیونیست هزینه‌ای وصف‌ناشانی را در جامعه بین‌المللی و افکار عمومی جهانیان به رژیم صهیونیستی تحمیل خواهد کرد. مضافاً آنکه عقب‌نشینی‌اتنایی ارتش صهیونیستی از برخی مناطق موقعیت نظامی حماس را در این باریکه تقویت کرده‌است. با این حال قابل کتمان نیست ایده حمله مجدد به این باریکه که با جاذبلی‌های شخصی نتانیاهو و ایده‌های آخراًزمانی صهیونیست‌های افراطی و شماری از مسیحیان انجیلی گره خورده، همچنان در اذهان رهبران حاکم بر تل‌آویو به شکل روزانه مرور می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند مسیر تحولات منطقه را بر خلاف نیت یهودیان افراطی به سمت و سویی متفاوت بکشانند.

به خوبی نشان می‌دهد مقاومت از یک جریان منطقه‌ای به یک جنبش اجتماعی جهلی تبدیل شده‌است؛ جنبشی که مرز ندارد، رنگ ندارد و از دل انسانیت سخن می‌گوید. شکست امپراتوری رسانه‌ای صهیونیسم بر برابر این امواج انسانی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای قرن ۲۱ در نبرد تریات‌هاست که به مدد رخداد ۷ اکتبر امکان‌پذیر شد. اکنون که جبهه ملتها در کنار مقاومت

ایستاده، مهم‌ترین خطر این است که برخی دولت‌های منطقه با شعار «فتوت‌گو برای صلح»، عملاً به جبهه مقابل بپیوندند و به ابزار اجرای طرح خلع سلاح تبدیل شوند. این همان بازی در زمین دشمن است که باید از آن پرهیز کرد.

■ **لزوم حفظ سلاح مقاومت و تداوم اجتماعی شدن اندیشه مقاومت**

مقاومت، امروز تنها یک جریان نظامی یا سیاسی نیست؛ یک اندیشه اجتماعی است که در قلب ملت‌ها هالسان در سراسر جهان جای گرفته است. آنچه پس از کتب ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داده، آغاز مرحله‌ای تازه در تاریخ مبارزه با اشغالگری بود؛ مرحله‌ای که در آن، مردم، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها به میدان آمدند و از فلسطین آزاد سخن گفتند. برای نخستین بار، امپراتوری رسانه‌ای صهیونیسم نتوانست روایت خود را تحمیل کند. در عوض، روایت مقاومت بر ذهن و زبان مردم جاری شد. تصاویر کودکان غزه، اشک مادران فلسطینی و فریادهای دانش‌جویان آمریکایی، جهانی را بیدار کرد که سال‌ها در خواب رسانه‌های رسمی بود. صلح واقعی تنها زمانی معنا دارد که عدالت برقرار شود. هر تلاشی برای صلح بدون عدالت، چیزی در تسلیم در برابر اشغال نیست. ائتلاف شرم‌الشیخ و پروژه بین‌المللی‌سازی خلع سلاح مقاومت، تلاشی است برای بازگرداندن منطقه به دوران پیش از بیداری ملت‌ها. باید هوشیار بود و از تجربه‌های گذشته درس گرفت. تحلیل گران که دولت و وزارت امور خارجه را بابت عدم مشارکت در اجلاس شرم‌الشیخ سرزنش می‌کنند، نگاهی سطحی دارند. آنها همان کسانی هستند که جمهوری اسلامی را بابت حضور نظامی در سوریه و حمایت از حزب‌الله ملات می‌کردند اما وقتی سوریه از دست رفت و حزب‌الله تضعیف شد و متعاقب آن، رژیم صهیونی تهران را بمباران کرد، تازه متوجه اشتباه خود شدند. حتی برای مقاومت، امنیت ملی ایران هم باید محور مقاومت را حفظ و بازسازی کرد.

همان‌گونه که مقاومت از درون محاصره، جهانی شد، می‌تواند از دل فشارهای دیپلماتیک نیز پیروز بیرون آید. رمز پیروزی در ادامه همین مسیر است. حفظ سلاح مقاومت، اجتماعی کردن مقاومت، حفظ اتحاد ملت‌ها و تداوم جنگ روایت‌ها. بازی در زمین دشمن - به نام صلح و مذاکره - باید کنار گذاشته شود؛ زیرا صلحی که بر ویرانه‌های حقیقت بنا شود، چیزی جز ادامه جنگ به زبان دیگر نیست.

چرا شرم‌الشیخ ادامه تلاش مقاومت: ز دایی از منطقه است؟

ائتلاف دولت‌ها در برابر جبهه ملت‌ها

اگر این الگو موفق شود، نوبت عراق و گروه‌های مقاومت مردمی آن خواهد رسید. به عبارت دیگر، توطئه‌ای در جریان است که با شعار «ثبات خاورمیانه»، در واقع به دنبال خلع اراده ملت‌هاست، آنان می‌خواهند مقاومت را نه فقط از میدان، بلکه از حافظه سیاسی ملت‌ها پاک کنند و این همان خطری است که باید با آگاهی، اتحاد و رسانه خنثی شود.

■ **ائتلاف دولت‌ها در برابر جبهه ملت‌ها**

نکته کلیدی در شرایط کنونی این است که آمریکا و اسرائیل، در جبهه ملت‌ها بازنده‌اند. افکار عمومی جهان علیه آنها شکل گرفته و قدرت نبرد مقاومت از سطح منطقه به سطح جهانی ارتقا یافته است. از نگاه مردم جهان، امروز اسرائیل نماد اشغالگری، آپارتاید و خشونت است و فلسطین، نماد مظلومیت و مقاومت. در چنین شرایطی، آمریکا تلاش می‌کند میدان بازی را از جبهه ملت‌ها به جبهه دولت‌ها منتقل کند. یعنی با استفاده از ابزار دیپلماسی، نشت‌های صلح و ائتلاف‌های بین‌المللی، یک جبهه سیاسی علیه مقاومت شکل دهد. شرم‌الشیخ، نخستین پرده این نمایش است. در این ائتلاف تازه، کشورهایی مانند مصر، ترکیه، اردن، قطر و امارات نقش کلیدی دارند و واشگنگتن می‌خواهد از نفوذ این کشورها در جهان عرب استفاده کند تا مقاومت را امنزوی جلوه دهد و مسیر هرگونه مشروعیت سیاسی برای آن را ببندد اما این بازی ۲ اشکال بنیادین دارد:

نخست آنکه هیچ ائتلافی، بدون پشتوانه مردمی، پایدار نیست. دوم آنکه عمومی جهان عرب، به‌رغم دولت‌های‌شان، در کنار مقاومت است.

■ **از مقاومت میدانی تا مقاومت رسانه‌ای**

تحولات ۲ سال اخیر نشان داده است میدان نبرد مقاومت دیگر صرفاً در جنوب لبنان یا نوار غزه نیست. میدان اصلی، ذهن و روایت جهانی است. در این میدان، سلاح اصلی نه موشک، بلکه تصویر، روایت و حقیقت است. مقاومت توانست با بهره‌گیری از «سنان‌رسانه»، تصویری واقعی از اشغال و کشتار را به گوش چشم مردم جهان برساند. هشتگ‌هایی چون FreePalestine یا All Eyes on Rafah از کمتر از چند روز به پرکاربردترین عبارات فضای مجازی جهانی تبدیل شد. چهره‌های دانشگاهی، هنرمندان، ورزشکاران و حتی استادان دانشگاه‌های غرب به حمایت از فلسطین برخاستند در آمریکا، بیش از ۵۰ دانشگاه شاهد تحصن مسالمت‌آمیز دانش‌جویان در حمایت از مقاومت بودند. این تحولات

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۴۰

بین الملل

دور دنیا

واکنش حماس به تشدید حملات صهیونیست‌ها به کرانه باختری

جنبش حماس با بیان اینکه حملات اشغالگران به کرانه باختری نمی‌تواند اراده ملت فلسطین را بشکند، از شهروندان فلسطینی خواست با تمام قوا با حملات شهرکنشیان صهیونیست به روستاها و شهرهای کرانه باختری مقابله کنند.

جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) دیروز شنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: حملات فزاینده نظامیان اشغالگر و شهرکنشیان صهیونیست به کرانه باختری هرگز نمی‌تواند اراده و پایداری ملت فلسطین را بر سرزمین خود بشکند و این اقدامات تنها باعث گسترش خشم و مبارزه از این منطقه خواهد شد.

جنبش مقاومت اسلامی فلسطین تأکید کرد: جنایات مستمر صهیونیست‌ها در کرانه باختری که پس از ۲ سال جنگ و نسل‌کشی در نوار غزه روی داده است، ملت صبور فلسطین را نخواهد ترساند، بلکه پیامدهای سنگینی برای اشغالگران و شهرکنشینان خواهد داشت و رؤیای آنان برای الحاق، کوچاندن اجباری و تسلط بر کرانه باختری را محقق نخواهد ساخت.

جنبش حماس افزود: با توجه به حمایت گسترده دولت راست‌گرای افراطی از اقدامات ارتش و شهرکنشینان صهیونیست، از عموم ملت فلسطین می‌خواهیم تحرکات مردمی را ادامه دهند و با تمام قوا در برابر حملات شهرکنشینان به روستاها و شهرهای کرانه باختری مقابله کنند. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حملات شهرکنشینان صهیونیست و نظامیان اشغالگر به مناطق مختلف کرانه باختری افزایش یافته است و روزی نیست که خبر حملات شهرکنشینان صهیونیست به کرانه باختری و تخریب اموال فلسطینی‌ها مخابره نشود.

نظامیان رژیم نیز حملات خود را به بهانه‌های مختلف به کرانه باختری افزایش داده‌اند و هر روز تعدادی از شهروندان فلسطینی در این حملات شهید، مجروح یا بازداشت می‌شوند.

آغاز روند تعدیل نیرو در دادگاه‌های آمریکا همزمان با ادامه تعطیلی دولت

همزمان با ادامه تعطیلی دولت آمریکا و کمبود بودجه دادگاه‌ها، مرخصی اجباری بدون حقوق برخی کارکنان در دستور کار قرار گرفت.

همزمان با ادامه تعطیلی دولت آمریکا و کمبود بودجه دادگاه‌ها، این نهاد محدود کردن وظایف غیرضروری و مرخصی اجباری برخی کارکنان را از روز دوشنبه آغاز خواهد کرد.

بر اساس یادداشتی که به دست رویترز رسیده، در پی عدم تصویب لایحه بودجه و ادغام تعطیلی دولت آمریکا، دستگاه قضایی فدرال برای نخستین بار در ۵۲ دهه اخیر، مجبور به اخراج برخی از بیش از ۳۰ هزار کارمند خود شده و از دیگر کارکنان نیز خواسته شده فعلاً بدون حقوق کار کنند.

این در حالی است که تعطیلی دولت از ابتدای اکتبر تاکنون باعث تاخیر گسترده در رسیدگی به دادخواست‌های مدنی نهادهای فدرال شده زیرا بسیاری از کارکنان‌شان به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند. در این حال، قضات در حال ارزیابی پرونده‌های قانونی پرشماری علیه سیاست‌های دونالد ترامپ هستند و اخیراً درخواست‌های دولت برای توقف رسیدگی به این پرونده‌ها را رد کرده‌اند. بر خلاف آنکه بسیاری از نهادهای اجرایی در حال اجرای سیاست‌های ترامپ در اخراج کارکنان خود هستند، دستگاه قضایی حتی پس از اول اکتبر نیز با استفاده از پادشاه‌ها و دیگر بودجه‌های غیروابسته به تأیید و اختصاص از سوی کنگره، تاکنون توانسته حقوق کارکنان خود را پرداخت کند اما دیگر با کمبود بودجه مواجه شده است.

در همین راستا، دادگاه‌ها همچنان باز خواهند بود و قضات دادگاه‌های پایین‌تر و قضات دیوان عالی با استناد به استثنایی در قانون اساسی آمریکا و به رغم کاهش حقوق ه‌سا، همچنان حقوق خود را دریافت می‌کنند. همچنین برخی مقامات دادگاه‌های مختلف منطقه‌ای در جریان این موضوع قرار گرفته‌اند که همچنان می‌توانند حقوق اعضای هیأت منصفه را دست‌کم تا اطلاع ثانوی پرداخت کنند. آخرین باری که تعدیل نیرو در دستگاه قضایی آمریکا اتفاق افتاد در زمان تعطیلی دولت در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون بود.

سخت‌گویی دیوان عالی آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد دیوان عالی در زمان تعطیلی دولت همچنان به برگزاری جلسات استماع ادامه می‌دهد و قضات آن احکام خود را صادر می‌کنند. در حالی که دیوان برای انجام امور رسمی باز خواهد بود اما تا اطلاع بعد، بر روی عموم بسته خواهد ماند.

حمله معترضان کلمبیایی به سفارت آمریکا

در جریان تظاهراتی در پایتخت کلمبیا، گروهی از معترضان با حمله به سفارت ایالات متحده، حمایت خود را از مردم فلسطین و ونزوئلا اعلام کردند و علیه سیاست‌های واشنگتن دست به اعتراض زدند.

گروهی از مردم و فعالان اجتماعی در کلمبیا در اعتراض به سیاست‌های مداخله‌گرانه آمریکا مقابل سفارت این کشور در بوگوتا تجمع کردند و با سر دادن شعارهایی در حمایت از فلسطین و ونزوئلا، خشم خود را از رفتارهای سلطه‌جویانه واشنگتن نشان دادند. طبق گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، نمایندگان جوامع بومی و چندین جنبش اجتماعی در این تجمع حضور داشتند. در جریان اعتراضات، میان تظاهرات‌کنندگان و نیروهای امنیتی درگیری‌هایی رخ داد و برخی معترضان با استفاده از تیر و کمان و مواد آتش‌زا به ساختمان سفارت آمریکا حمله کردند.

رسانه‌های محلی اعلام کردند نیروهای امنیتی برای متفرق کردن معترضان از گاز اشک‌آور و تجهیزات ضدشورش استفاده کردند. این در حالی است که معترضان تأکید داشتند هدف‌شان رساندن صدای مردم فلسطین و ونزوئلا به جامعه جهانی است.